

## نگاهی به وضعیت تولید چای در گیلان از زبان کارگران و کشاورزان چایکار

### باقر زارع پور

بیمه‌ای و همچنین فشار کاری رنج می‌برند. متأسفانه درمورد بیمه چایکاران هیچگونه اقدامی توسط نهاد و یا سازمانی انجام نگرفته و هیچگونه نظارت جدی بر مسایل بیمه‌ای کارگران شاغل در باغات و کارخانجات صورت نمی‌گیرد.

کارگری که در بخش انبار یکی از کارخانه‌های چای کار می‌کند، می‌گوید: «در روز بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می‌کنم که با توجه به سختی کار ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان دریافت می‌کنم. بیمه هم نیستیم». بیمه از کارافتادگی و بازنشستگی شامل همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند نمی‌شود. با چشم پوشی بازرسان مسؤل در این زمینه، و فرار کارخانه‌داران از بیمه نمودن همه آنها همواره بخش زیادی از این کارگران از مزایای بیمه بی‌بهره می‌مانند. اما در گفتگو با یکی از مدیران کارخانه متوجه می‌شویم که یکی از مشکلاتشان دستمزد کارگران است. گویی مایل به پرداخت همین دستمزد اندک و پرداخت حق بیمه گاه و بیگاه کارگران هم نیستند.

علاوه بر همه مشکلاتی که چایکاران به طور عام با آن مواجه‌اند، در تحقیقاتمان متوجه کم توجهی دوچندان به چایکاران غرب گیلان شدیم. حدود ۱۵ درصد از برگ سبز چای کشور در مناطق چایخیز غرب گیلان یعنی رشت، فومن و شفت برداشت می‌شود. ظاهراً این چایکاران از سوی دولت مهمان ناخوانده‌ای محسوب می‌شوند و با توجه به سابقه کمتر چایکاری در این مناطق، و مرکزیت لاهیجان و استقرار سازمان چای در شرق گیلان، بیش از دیگر چایکاران مغفول واقع شده‌اند. بخش قابل توجهی از چایکاران این مناطق از میزان پایین درصد درجه یک چای تحویلی چین اول خود نسبت به شرق گیلان اظهاراتی داشته‌اند. همچنین بحثهایی در مورد تأخیر پرداخت بهای برگ سبز این مناطق نسبت به شرق گیلان وجود داشته است. فارغ از مشکلات و گرفتاری‌هایی که اکثر چایکاران با آن دست به گریبانند و به بخشی از آنها اشاره شد، اقدامات مفسدانه و غیر اخلاقی عده‌ای سودجو بر مشکلات و معضلات موجود در صنعت چای افزوده است. این افراد از طرق و روشهای گوناگون و هوشمندانه اقدام به عمل **دفترچه نویسی** می‌کنند. واحدهای نظارتی مختلف سازمان چای کشور با بررسی‌های خود در زمان بهره‌برداری و در طول سال، نظیر میزان برداشت برگ سبز نامتعارف چایکاران، دفترچه‌های مشکوک چایکاری، میزان خرید برگ سبز روزانه نامتعارف کارخانجات و یا گزارشات واصله از کارخانجات، باغات و ناظرین سازمان، با متخلفینی روبرو شده و اقداماتی هم جهت مقابله با این موارد صورت داده‌اند. اما با توجه با تحقیقات محلی که انجام شده ظاهراً آمار دفترچه نویسی کاذب و تخلفات دیگر نگران‌کننده است و ظاهراً به دلیل عدم وجود اراده جدی و همچنین محدودیتهای قانونی، با ریشه‌کنی اینگونه اقدامات فاصله زیادی داریم.

مشکلات خودم نباشم. باغم را می‌فروشم... پولش را به حسابی در بانک می‌گذارم... سود حاصل از آن بیشتر از دریافتی‌ام از دولت برای تولید چای است. تازه مشکلات نگهداری باغ و برداشت چای را هم تحمل نمی‌کنم».



در سالهای اخیر به طور تقریبی از هر هکتار ۵ تن برگ سبز چای برداشت شده است. البته این میزان با توجه به مکان و سن باغ متفاوت بوده و بین ۲ تا ۱۰ تن در هکتار در نوسان است. علاوه بر این از آمارهایی که در گفتگو با دو تن از چایکاران در روستای **شبخوسلات** بخش **رانکوه** در اختیارمان قرار گرفت، متوجه موضوع نگران کننده‌ای شدیم و آن کیفیت بسیار پایین کودهای شیمیایی است که در باغات چای استفاده می‌شود که باعث کاهش محسوس برداشت برگ سبز شده است. یکی از آن دو کشاورز می‌گوید: «قبلاً در فصل چای چینی از باغم نزدیک به ۵۰ تن چای برداشت می‌کردم. اما در ۶ سال اخیر مجموع برداشت به ۵۰ تن می‌رسد و مهمترین دلیل فنی این قضیه کودهای شیمیایی است. کیفیت بسیار پایین این کودها که در بین برخی از چایکاران به قاتل چای معروف است، باغات و همچنین سلامتی کشاورزان را با مشکل مواجه کرده». با این وضعیتی که برداشت برگ سبز چای دارد تبعاً تولید چای خشک نیز کاهش یافته، بطوری که با توجه به استاندارد موجود مبنی بر اینکه تقریباً از هر یک کیلوگرم برگ سبز چای ۲۳۰ گرم (۲۳٪) آن تبدیل به چای خشک می‌شود، با توجه به میزان اعلام شده برداشت برگ سبز چای در چین اول امسال، حداکثر تولید نزدیک به ۱۰ هزار تن چای خشک در کارخانجات گیلان و مازندران را می‌توان متصور شد. البته آمارهای مربوط به برداشت و تولید چای خشک با توجه به وضعیت آب و هوا نسبت به سال گذشته افزایش یافته اما نسبت به دهه قبل (با توجه به دلایلی که ذکر شد) کاهش چشمگیر داشته است. میزان مصرف چای خشک در ایران بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ هزار تن برآورد شده است، که در خوشبینانه‌ترین حالت در چند سال اخیر نزدیک به ۲۰ هزار تن از آن تولید داخل بوده و مابقی از طریق واردات قانونی و یا قاچاق وارد کشور می‌شود. اما چایکاران و کارگران حوزه چای هم مانند تمام حوزه‌های اقتصادی دیگر از مشکلات دستمزدی و

چای، این نوشیدنی پرمصرف و محبوب حاصل دسترنج بخش زیادی از مردم زحمتکش گیلان و مازندران است. تقریباً ۴۵ هزار خانواده چایکار در گیلان و غرب مازندران در شش ماهه اول هر سال مشغول به فعالیت در این عرصه هستند که نشستن پای صحبت آنان مشکلات پنهان شده در سرسبزی باغاتشان را نمایان می‌کند. حال و هوای کار در طبیعت زیبای مناطق چایخیز با رنجی که کشاورزان چایکار و کارگران در این راه می‌برند زایل شده و بسیاری از مردان و زنانی که از راه برداشت و تولید چای گذران زندگی می‌کنند را خسته و فرسوده می‌سازد. هزینه زیاد نگهداری و برداشت چای در مقابل قیمت اندک برگ سبز چای مشکلات زیادی برای چایکاران به وجود آورده است. متأسفانه در سال جاری و تا زمان تکمیل این گزارش قیمت بهای برگ سبز چای و میزان بارانه پرداختی به چایکاران اعلام نشده که این موضوع در تاریخ بهره برداری سالهای اخیر بی‌سابقه بوده است. شنیده‌های غیررسمی از افزایش ۱۰ تا ۱۲ درصدی بهای برگ سبز، نسبت به سال گذشته حکایت دارد. درحالیکه سازمان چای کشور همواره افزایش قیمت ۱۸ تا ۲۲ درصدی را پیشنهاد و مطلوب دانسته است. این هر دو قیمت اما دردی از دردهای چایکاران رنجور و زحمتکش این عرصه را درمان نخواهد کرد. مردی چایکار از روستای **گرگروود املش** نظرش را درباره قیمت خرید برگ سبز چنین می‌گوید: «ما با این قیمت و هزینه‌هایی که در زندگی روزمره با آن مواجهیم دیگر انگیزه چندانی برای کار در باغات چای نداریم. چایکار نمی‌تواند از عهده مخارج زندگی‌اش برآید. زمانی چای کیلویی ۲ تومان، برنج کیلویی ۲ تومان، قند کیلویی ۱۸ قران و... بود اما امروز برنج کیلویی ۱۲ هزار تومان و میانگین قیمت چای ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ تومان است. آن زمان که قیمت چای ۲ تومان بود ۵ قران بابت کود شیمیایی می‌دادیم ولی الان قیمت کود به ۱۰۰۰ تومان رسیده است».

نبود انگیزه و توان اقتصادی کافی چایکاران برای فعالیت کشاورزی باعث رهاسازی و یا تغییر کاربری بسیاری از باغات چای شده است. طبق آمارهای منتشره در سالهای اخیر فقط حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار هکتار باغ چای زیرکشت است، درحالیکه آمارهای قبل از دهه هشتاد حکایت از نزدیک به ۴۰ هزار هکتار باغ فعال دارند. عدم تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار گرفتن چایکاران توسط دولت و عدم رضایت چایکاران از بیمه باغات چای، آنان را بیش از پیش نسبت به فعالیت تولیدی ناامید کرده و فرصت را برای سرمایه‌دارانی که میل و اشتیاقشان برای ویلاسازی در باغات چای برهمگان آشکار است فراهم کرده تا با تغییر کاربری باغات به اهداف سودجویانه خود دست یابند. خود را معطل فعالیتی کم که از طریق آن قادر به

## دسترنج زنان کارگر چای باغ

ندارند. ۷۷/۵ درصد پرسش‌شوندگان در باغات چای کوهپایه و ۲۲/۵ درصد در باغات چای واقع در دشت کار می‌کنند. از مهمترین عوارضی که چایکاران در هنگام کار در باغ چای تجربه کرده‌اند به ترتیب کمردرد (۹۴/۵ درصد) درد زانو (۶۸/۴ درصد) خستگی شدید (۴۷/۲ درصد) گرمادگی (۴۴/۶ درصد) گردن درد (۲۴/۲ درصد) دردهای استخوانی عضلانی (۲۳/۲ درصد) عوارض چشمی (۲۲/۳ درصد) و واریس (۱۱/۱ درصد) است. علاوه بر اینها نبود ایمنی حمل و نقل کارگران باغات چای از خانه تا محل کار و کمبود امکانات در باغات چای نیز فاجعه‌بار است. به‌عنوان مثال پانز سال گذشته رعد و برق، موجب مرگ زنی چایکار، هنگام چیدن برگ سبز چای در املش شد.

خانم فیضه لطفی، زن چایکار ۴۷ ساله املشی، که مادر دو دختر است، به دلیل برخورد صاعقه کشته شد. همسر این زن به خبرنگاری گفته بود: «با رعد و برق بلافاصله باران تندی بارید و مجبور شدم برای آوردن چتر و تنپوشی برای همسر، از او دور شوم؛ اما به محض بازگشت متوجه شدم که صاعقه همسر را کشت». از ۱۵ سال قبل تاکنون متوسط سطح زیر کشت چای نصف شده است. و رئیس اتحادیه چایکاران کشور، هوسمی نیز از کاهش ۶۰ درصدی تولید چای خشک در دهه گذشته خبر داده است. بیش از ۶۰ هزار خانواده کشاورز چایکار، در ۳۰ هزار هکتار باغ چای و ۱۶۰ کارخانه چایسازی در استانهای گیلان و مازندران کار می‌کنند. رئیس سازمان چای کشور، روزبهان با اشاره به اینکه رهاسازی باغات چای موجب نگرانی است، به شبکه باران گفت: «یک کشاورز حداقل باید صاحب ۲۵۰۰ متر باغ چای باشد تا بتواند زندگی خود را بگذراند».

به‌طور میانگین زنان چایکار از ۱۶ سالگی به حرفه چایکاری روی آوردند. از ۴۰۵ نفر مورد پرسش، تعداد ۳۱۱ نفر متأهل و ۹۴ نفر مجرد بودند و هر نفر میانگین ۳ فرزند دارند. از لحاظ آشنایی با زبان انگلیسی قریب به اتفاق (۹۷ درصد) هیچ آشنایی با زبان انگلیسی ندارند و تنها ۳ درصد آنان با زبان خارجه آشنایی مختصر تا متوسط دارند.



دست‌های یک کشاورز چایکار

اما پرورش بسیاری از داروها و سموم کشاورزی به زبان انگلیسی است. همان داروها هم به‌راحتی به دست کشاورزان نمی‌رسد. و سم را هم کارخانه‌داران از طریق واسطه‌ها تهیه و مصرف می‌کنند و کشاورزان نقشی در انتخاب یا نحوه استفاده از آن

اغلب زنان کارگر باغات چای که در باغ پدر و یا همسرشان به کار چیدن برگ سبز چای مشغولند، هیچ مزدی بابت کارشان دریافت نمی‌کنند. نفیسه علی پور، کارشناس چای گفت: «اشتغال زنان در محیط خارج از خانه اغلب با انجام وظائف خانه‌داری و کار در داخل منزل نیز همراه است و به دلیل مشابهت شغلی خاص بین زن و مرد، به دلیل وظائف متعدد زنان، فشار کاری و استرس‌های ناشی از آن، در زنان بیشتر از مردان است».

با توجه به شرایط کار چایکاران در هنگام کار و تعریق بدن آنان که همراه با دفع آب، مقدار زیادی نمک از بدن نیز دفع می‌شود، توجه نکردن به جبران از دست رفتن آب و نمک در بدن، باعث اختلالات و آسیب‌های زیادی می‌شود که از آن جمله می‌توان اختلالات عصبی-روانی، تولید خستگی، تحریک‌پذیری و کاهش ظرفیت جسمی-روحي فرد را نام برد.

به دلیل اینکه زنان چایکار روستایی همواره کار فیزیکی سخت انجام می‌دهند. استفاده غیراصولی از ماشینهای هرس و برگ چین و سایر ادوات مکانیزه، همچنین شیوه غلط و حالات غیراستاندارد بدن در حین کار (مانند زانو زدن یا انجام کار به صورت خمیده) و حمل بار موجب فشارها و پیچ خوردگی اعضاء شده و موجب ناراحتی‌های متعدد اسکلتی- ماهیچه‌ای می‌شود. مشکلات اسکلتی-عضلانی زیادی در بین چایکاران شایع است به‌طوری‌که کمردرد از شایع‌ترین عوارض میان آنان است. در تحقیقی که سال گذشته در مورد وضعیت کارگران باغات چای انجام شده و خبرگزاری ایسنا آن را منتشر کرده، آمده است: «با توجه به اینکه سن پرسش‌شوندگان در این تحقیق ۴۴ سال با میانگین سابقه کاری ۲۸ سال است،

## نقدی بر سیاستهای دولتی درباره چای

### باید فاتحه باغات چای را خواند

اما ردی از تصمیماتی که به گفته نماینده لنگرود کشاورزان را بدبخت و بیچاره کرده است را در گزارش روزنامه خزر ۲۹ اردیبهشت می‌توان دید. این روزنامه به نقل از رسانه‌های هندی از مذاکره وزارت بازرگانی هند با همتای ایرانی خود نوشت: «هندیها برای کمک به احیای صنعت چای ایران که ممکن است فرصتهای زیادی را برای شرکتهای هندی ایجاد کند، به دنبال جوینت وینچر در ایران هستند». جوینت وینچر در اقتصاد به‌نوعی قرارداد مشارکت انتفاعی و انعطاف‌پذیر سرمایه‌گذاری گفته می‌شود. یعنی هند در صورتی به تولید صنعتی چای در گیلان کمک می‌کند که منافع بازار چای کشور، در اختیار آنها قرار گیرد. پس نفس موضوع کمک، بهانه است. و البته در مورد چای، با توجه به اینکه هند بزرگترین رقیب چای داخلی ماست، به‌کلی بی‌معنی خواهد بود و هرگونه مشارکت و همکاری بین سازمان چای کشور با سازمان چای هند، به بهانه مدرنیزه کردن صنعت چای ایران، با از دست رفتن بازار مصرف، به ضعف بیشتر تولید چای کشور می‌انجامد.

پایگاه خبری بیزنس استاندارد نوشت: در نشست گروه کاری مشترک میان وزرای ایران و هند و سایر مقامات دو کشور، ایران مدرنیزه شدن صنعت چای در لاهیجان را با هند مطرح کرد. و گویا رئیس سازمان چای هند، سارانگی گفته: «ما درباره ماشینهایی که ایرانیها در اختیار دارند پرسیده‌ایم زیرا طرح پیشنهادی آنها شامل مدرنیزه کردن کاشت هم می‌شود». اما نایب رئیس انجمن چای هند، مونم با تأکید بر علاقه شرکتهای هندی به قراردادهای جوینت وینچر، به همان بیزنس استاندارد گفت: «نمی‌توانیم تنها کاشت را مدرنیزه کنیم و کنار بکشیم». وی درباره تولیدکنندگان چای، با لحنی توهین آمیز گفت: «ما درباره ماشینهایی که ایرانیها

می‌خواهید کل داستان چای را ببندیم و از هندوستان و چین وارد کنید و چایکاری را تعطیل کنید؟ شما با این تصمیمات کشاورزان و چایکاران را بدبخت و بیچاره کرده‌اید، نمی‌خواهید که به کشاورزان صدقه دهید...». این را لاهوتی نماینده لنگرود در تذکر شفاهی به رئیس جمهور و وزرای جهاد کشاورزی و اقتصاد در مجلس گفت.

پایگاه گیل خبر نوشت: «پیشنهاد مسئولان استان گیلان افزایش ۲۲ درصدی قیمت چای بود، این پیشنهاد با تلاش وزیر کشاورزی به ۱۸ درصد رسید و بعد از آن در کمیته‌ای در شورای عالی اقتصاد به ۱۴ درصد کاهش یافت؛ اخیراً نیز مطلع شدیم می‌خواهند این افزایش را به ۱۰ درصد برسانند». که در نهایت نیز چنین شد. اما بحث بر سر این نیست که نرخ خرید تضمینی برگ سبز چای چقدر است، مسأله اصلی این است که این نرخ را چه اشخاصی به نمایندگی از چه طبقه‌ای تعیین می‌کنند؟ تا زمانی که اختیار و تصمیم‌گیری برای دسترنج چایکاران به خود آنان و تشکلهای محلی و منتخب خودشان محول نشود، تا زمانی که چانه‌زنی در بالا تنها گزینه باشد، وضع همین خواهد بود. واضح است که نماینده مجلس هم حتی در چنین شرایطی - اگر خودش هم بخواهد - قدرت دفاع از حقوق کشاورزان را نخواهد داشت. و تمام تلاشش به نمایش در حد تذکرات بی‌فایده در نطق‌های پیش از دستور خلاصه می‌شود. لاهوتی با اشاره غیرمستقیم به برگزاری کنگره‌ها و همایش‌های پرهزینه بی‌فایده‌ای که از بیت‌ال‌مال مصرف می‌کنند هم گفت: «به جای اسراف‌کاری در برگزاری همایشها و یا سایر مسائل بهتر است فکری به حال کشاورزان کنید».

در اختیار دارند پرسیده‌ایم زیرا طرح پیشنهادهای آنها شامل مدرنیزه کردن کاشت هم می‌شود». اما نایب رئیس انجمن چای هند، مونم با تأکید بر علاقه شرکت‌های هندی به قراردادهای جوینت وینچر، به همان بیزنس استاندارد گفت: «نمی‌توانیم تنها کاشت را مدرنیزه کنیم و کنار بکشیم». وی با وقاحت درباره تولیدکنندگان چای ایران و با لحنی توهین آمیز به مردم کشور که مصرف‌کننده چای گیلان هستند، گفت: «در ایران تقلب گسترده‌ای صورت گرفته و همه این سالها فروشندگان چای در ایران چای هندی را با تولید داخلی مخلوط کرده‌اند و ایرانیها اکنون به این ذائقه عادت کرده‌اند». و بی هیچ پرده‌پوشی اعلام کرد: «انجمن چای هند، ایران را همواره بازار بزرگ و آماده‌ای برای تولیدکنندگان چای هندی می‌بیند».

باید توجه داشت که اوایل پائیز گذشته، بیش از دوهزار تن گندم هندی آلوده به بیماری «سیاهک ناقص گندم» به روشی که معاون جهاد کشاورزی به خبرگزاری ایسنا آن را دور زدن گمرک کشور خواند، وارد ایران شده و خسارتهایی به بار آورده بود که تاکنون میزان آن مشخص و بیان نشده است. واردات زیتون سوری و عراقی به رودبار نیز باعث ظهور آفت مگس زیتون و آسیب به تولید این محصول در گیلان شد. با این وجود برای واردات چای از کشور رقیب، می‌بایست تأمل بیشتری کرد. تأملی که سکوت خبری وزارت جهاد کشاورزی و سازمان چای پیرامون قراردادهای جوینت وینچر، لزوم آن را دو صدچندان می‌کند.

نخست‌وزیر هند، نیز به دعوت رسمی رئیس‌جمهوری اسلامی، روحانی دوم خرداد جاری به تهران رفت. نخست‌وزیر هند را در این سفر که دو روز طول کشید، هیأت بلندپایه سیاسی، اقتصادی همراهی می‌کردند. همزمان با این سفر، قیمت هر کیلوگرم چای وارداتی بیش از ۷ درصد نسبت به سال قبل ارزان تر شد.

بنا بر آمار ۶۵ هزار خانواده در گیلان و مازندران از راه تولید چای امرار معاش می‌کنند و حدود ۵۰۰ هزار نفر به شکل مستقیم و غیر مستقیم در صنعت چای مشغول به کار هستند. با این وجود استاندار گیلان هم در اظهاراتی که نشانه بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به وضعیت معیشت چایکاران استان است، به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: «قیمت خرید تضمینی همه محصولات از جمله برگ سبز چای از سوی شورای عالی اقتصاد تعیین می‌شود و قیمت تضمینی برگ سبز چای، تأثیری در کمیت و کیفیت چای ندارد و چایکاران همچنان چای با کیفیت تحویل صنایع عمل آوری می‌دهند».

وی به این موضوع اشاره نکرد که با توجه به شرایط دشوار معیشتی و زندگی بیش از ۶۵ هزار خانواده‌ای که از راه کشت و برداشت چای گذران می‌کنند، چگونه و با چه قیمتی کیفیت چای در شرایطی که هندیها برای دستیابی به بازار چای کشور نقشه کشیده‌اند، حفظ خواهد شد؟! چایی که ارزش چین بهاره آن امسال ۸۵۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است.